

پس از اظهارات مداخله‌جویانه رئیس‌جمهور فرانسه در لبنان، بیروت طی ۲ روز گذشته صحنه بروز نا آرامی‌ها و اشغال برخی اماکن دولتی بود



صفحه ۷

مکر ژینگول

مکرون دیروز از حضور لبنانی‌ها در خیابان حمایت کرده و دولت حسان دیاب را برای انجام تغییرات سیاسی تحت فشار قرار داد

خسارتی که سخت قابل جبران است

به یک «متغیر وابسته» شد. به عبارت بهتر، برجام که در خوشبینانه‌ترین حالت ممکن، می‌توانست حکم یک «بازار تاکتیکی محدود» را در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی کشورمان داشته باشد، تبدیل به یک «مرکز ثقل استراتژیک» شد. این بدترین و پرهزینه‌ترین خطایی بود که دولت یازدهم در تعریف «جایگاه راهبردی برجام» انجام داد. از همان ابتدا مسجل بود برجام به دلیل «بطلان پذیر» بودن و «قبض پذیر» ابعاد مختلف آن از سوی بازیگران غربی، نمی‌توانست حکم یک مرکز ثقل هزاران قرائت و برداشت مبالغه‌آمیز از توافق هسته‌ای کشورمان را داشته باشد اما در شرایطی که حتی تأمین آب آشامیدنی مردم به انعقاد توافق هسته‌ای گره خورد و سخن گفتن از «خزانه خالی» کشور با نامحرمی که آرزوی دیرینه آنها نابودی نظام و ملت ایران بود، بازدارنده و در عین حال نامتوازن باقی نگذاشت! اساسا مسئولان دولت محترم و وزارت امور خارجه کشورمان هرگز نتوانستند گزاره‌ای به نام «بطلان پذیر برجام» را بپذیرند. در چنین فضایی، تصویر واقعی برجام در میان هسته‌ای با ایران و دستور وضع دوباره تحریم‌های ثانویه و یکجانبه علیه ملت ایران را صادر کرد!

شاید تنها موضوعی که می‌توانست کمی تسلیبخش دل منتقدان سیاست خارجی غرب‌گرا و اقتصاد تحریم‌محور در کشورمان باشد، عبرت گرفتن هر چند دیرهنگام مسئولان حوزه سیاست خارجی ما از ماجرای خروج یکجانبه آمریکا از برجام بود. با این حال، نه تنها این موضوع محقق نشد، بلکه شاهد مستعرق شدن برخی مسئولان در میان واژگان «برجام اروپایی» و «پنستکس» بودیم! البته امروز پس از ۲ سال، نتیجه تعهدات اتحادیه اروپایی درباره تأمین منافع ایران در برجام کاملا قابل مشاهده است! تاسفبارتر اینکه پس از انهدام «برجام آمریکایی» و «برجام اروپایی» و هزینه‌هایی که سرمایه‌گذاری روی آنها برای صنعت هسته‌ای، اقتصاد و سیاست خارجی کشورمان ایجاد کرد، این بار قلب طرفداران مذاکره با آمریکا برای شکست ترامپ در انتخابات و حضور دوباره دموکرات‌ها در کاخ سفید می‌تپد! با این حال، دیگر جایی برای آزمون و خطا در حوزه اقتصاد و سیاست خارجی کشور وجود ندارد!

نگاه

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی در پیامی به ملت ایران به مناسبت فرارسیدن عید سعید قربان، با تأکید بر اینکه با وجود خسارات فراوان برجام، اصل صنعت هسته‌ای حفظ شده است، فرمودند: «من علت مذاکره نکردن با آمریکایی‌ها را بارها گفته‌ام اما برخی یا متوجه نمی‌شوند یا وانمود می‌کنند متوجه نشده‌اند. هدف اصلی آمریکایی‌ها از ادعای مذاکره، گرفتن توانایی‌های حیاتی ملت ایران است. البته رئیس‌جمهور فعلی آمریکا، که به دنبال برخی منافع شخصی و انتخاباتی دربارۀ اثبات خسارت‌بار بودن برجام، تاکنون مصادیق زیادی مطرح شده است. پس از امضای برجام در دوران ریاست جمهوری او، شاهد «قبض تعهدات غرب» و «سیسب تعهدات فنی ایران» بودیم. در دوران ریاست جمهوری ترامپ و با خروج کاخ سفید از توافق هسته‌ای، «قبض تعهدات غرب» تبدیل به «حقوق تعهدات» آن شد! با این حال به سبب اعتماد دستگاه دیپلماتی و سیاست خارجی کشورمان به تروئیکای اروپایی جهت تأمین منافع ایران در برجام، تعهدات ایران در این سوی معادله به قوت خود باقی ماند! فراتر از آن، طرف مقابل با استفاده از ظرفیت‌های تعبیه‌شده در برجام (به سود غرب)، همواره مکتسبات مائه و احمای تحریم‌های چندجانبه شورای امنیت علیه کشورمان را به مثابه یک ابزار علیه ایران به کار گرفت. شاید در این میان، یکی از معدود نقاط قوت برجام و قطعه‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت، لغو تحریم تسلیحاتی ایران در ابتدای پاییز امسال (سال ۲۰۲۰) بود! با این حال علاوه بر آمریکا، ۳ کشور اروپایی نیز گزینه «تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران» را هر چند به صورت موقت مطرح کرده و به این ترتیب، تنها خاصیت برجام را نیز از بین برده‌اند! چنانکه مشاهده می‌شود، حتی به «ظرفیت‌های انتزاعی و بالقوه برجام» نیز نمی‌توان تکیه کرد، حال ظرفیت‌های عملیاتی و کاربردی آن جای خود دارد! علاوه بر انتقاداتی که در ابعاد فنی بر سر موضوع عدم توازن میان داده‌ها و ستانده‌های ایران و اعضای ۱۵۱ در برجام مطرح می‌شود، به لحاظ راهبردی و سیاسی نیز انتقاد صریحی در این باره وجود دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه به‌رغم هشدار منتقدان دلسوز (که از سوی دولت و حامیان برجام متمم به کارشکنی در مذاکرات و طرفداری از تحریم‌ملت ایران می‌شدند)، «توافق هسته‌ای» تبدیل به یک «متغیر مستقل» و «توسعه اقتصادی کشور» مبدل

بازگشت همه به‌سوی اوست
همکار گرامی جناب آقای میکائیل دیانی
مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحومه غفران و آمرزش و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم
وطن امروز

پیامک خوانندگان
۱۰۰۰۲۲۳۱

انتصاب جدید در وزارت خارجه آمریکا درباره استراتژی جدید ترامپ در قبال ایران چه می‌گوید؟

ضعیف و تکراری

پیشین هسته‌ای دارد و آیا فرآیند مذاکرات نیز مانند فرآیند مذاکرات قبلی است؟ نگاهی به وضعیت رابطه تهران و واشنگتن نشان می‌دهد که ۲ کشور تعاریف مختلفی از رسیدن به توافق یا حتی مذاکره دارند. در حالی که عده‌ای در داخل کشور معتقدند مذاکره به معنای به‌گفتوگو نشستن نمایندگان ۲ دولت و پروسه امتیاز دادن و امتیاز گرفتن است- که در هر مذاکره‌ای دیده می‌شود- و در عین حال برخی تصور می‌کنند که مذاکره با آمریکا با ایران به عنوان مذاکره ۲ کشور از موضع برابر است، ترامپ چندین بار بیان کرده است که مذاکره در دولت او برای رسیدن به شرایط تسلیم ایران است. او در مدل مذاکراتی خود با کرشماتی نیز اقدام ایران و جایگزینی الیوت آبرامز با ایران خود را یک مسئله به‌صورت آشکارتری مورد بحث قرار گرفته است. مهم‌ترین ایرادات توافق اواما با ایران در سال ۲۰۱۵ از نظر مشاوران ترامپ، مسأله میزان محدودیت‌ها برای برنامه هسته‌ای ایران، از بین نرفتن کامل این برنامه و دیده نشدن مسأله‌ای چون فعالیت‌های دفاعی ایران در حیطه موشکی یا حتی فعالیت‌های ایران در منطقه و حتی به رسمیت شناختن اسرائیل بوده است.

اما ترامپ قرار است برای رسیدن به هدف خود در قبال ایران چطور نمایندگانش را تأیید کرد اما نشان مدنظر خودش بکشد؟! اینجاست که تغییر رئیس گروه اقدام ایران و جایگزینی الیوت آبرامز با ایران خود بیشتر این مسأله را شاکفته و روشن می‌سازد.

برایسان هوک از نزدیکان و همفکران جان بولتون، مشاور پیشین امنیت ملی ترامپ بود. او که مسئول اجرایی کردن کمیسیون فشار حداکثری آمریکا علیه ایران بود، مانند متحشد در کاخ سفید که نتوانست پروژه تغییر رژیم در ایران را بپایه کند، نتوانست موجبات ضعف پای زانو زدن ایران به واسطه تحریم‌ها را فراهم کند و در نهایت با رفتن جان بولتون، او نیز به عنوان شکست‌خورده بعدی، کاخ سفید را ترک کرد. بعد از رفتن جان بولتون حالا سیاست خارجی دولت ترامپ به صورت کامل در دست‌های مایک پمپئو قرار داده شده است. الیوت آبرامز که از مسئولان بدنام و قدیمی وزارت خارجه آمریکاست حالا به عنوان رئیس گروه اقدام ایران در واقع دست راست پمپئو درباره مقابله با ایران قرار داده شده است! نشان داده شود سیاست‌های کاخ سفید در حال شیفت کردن یکباره از بولتون به سمت پمپئو است اما این مسأله نباید فراموش شود که بولتون و پمپئو چندان هم فرقی با یکدیگر در نوع نگاه به ایران، ضرورت تلاش برای تغییر رژیم در ایران و استفاده از نیروهای اپوزیسیون بدنام خارج از ایران ندارند. جان بولتون و رودی جولیانو، ۲ پار قدیمی ترامپ که حالا مورد خشم او واقع شده‌اند، از طرفداران سرخست منافقین بودند و مایک پمپئو هزینه تبلیغات رسانه‌ای سلطنت‌طلب‌ها و دیگر گروه‌های کوچک‌تر منفور در بین افکار عمومی را می‌دهد. اما این نوع طرز نگاه و این جانشینی‌ها درباره آینده روابط ایران و آمریکا چه می‌گوید؟

مسأله اصلی اینجاست که صحبت ترامپ درباره اینکه

یادداشت

نمانه اکوان: رئیس‌جمهور آمریکایی خواهد در هر شرایطی نشان دهد که غیرقابل پیش‌بینی است. «دونالد ترامپ از سیاست مرد دیوانه نیکسون استفاده می‌کند تا خود را غیرقابل پیش‌بینی نشان دهد»، «نقل قول همیشگی ترامپ مبنی بر اینکه «گذاردید ببینیم چه پیش می‌آید» مؤید این نکته است که نمی‌توان روی کارهای او حسابی باز کرد»، اینها همه جملاتی است که درباره رئیس‌جمهور آمریکا گفته شده تا نشان دهد دونالد ترامپ، در بسیاری از امور و بویژه در سیاست خارجی غیرقابل پیش‌بینی است. با این حال همواره استثنائاتی هم در این میان وجود دارد و سیاست خارجی او در قبال ایران یکی از این استثنائات است. شاید بیرون آمدن آمریکا از توافق هسته‌ای با ایران که ۲ سال پیش انجام شده، تا حد زیادی شوکه‌کننده بود و این امر را ثابت کرد که نمی‌توان انتظار داشت ترامپ از قاعده یا قانون خاصی در سیاست خارجی پیروی کند! اما حالا با گذشت نزدیک به ۴ سال از دوران فعالیت او در کاخ سفید، می‌توان به روشنی بیان کرد که او طی چند ماه آینده باقیمانده تا زمان انتخابات ریاست‌جمهوری یا حتی بعد از آن در دوران احتمالی دور دوم ریاست‌جمهوری‌اش قرار است چه سیاستی در قبال ایران داشته باشد. ترامپ که این روزها در نظرسنجی‌های انتخاباتی بشدت با یادن عقب افتاده است، سعی دارد عقبنامدگی‌های خود را در زمینه‌هایی جبران کند که به نظر می‌رسد دموکرات‌ها حرفی برای گفتن داشته‌اند. دموکرات‌ها اگر چه در بسیاری از مسائل چون سیاست داخلی چندان هم ایده جذابی برای اداره آمریکا ندارند اما در سیاست خارجی معمولاً دنیا را با خود همراه کرده‌اند. حالا دونالد ترامپ که نتوانسته میراث دولت قبلی دموکرات را در فضای بین‌الملل به صورت کامل از بین ببرد، به دنبال هنرنمایی‌های جدید خود در این عرصه در طول چند ماه آتی است. یکی از این عرصه‌ها، عرصه بیابرویی با ایران است. او روز شنبه بیان کرد که به‌معمور رأی آوردن در دور دوم انتخابات ریاست‌جمهوری‌اش، با ایران به توافق می‌رسد. این ادعا در حالی بیان می‌شود که وضعیت فعلی رابطه ۲ کشور چنین چشم‌اندازی را پیش پای رئیس‌جمهور آمریکا نمی‌گذارد.

ایران بعد از به شهادت رسیدن سردار سلیمانی دیگر دلیلی برای مذاکره با آمریکا نمی‌بیند و در عین حال فشارهای بی‌رویه در کمیسیون فشار حداکثری، تهران را نسبت به انگیزه‌های دولت ترامپ در این باره بدگمان کرده است. در عین حال متحشد دولت ترامپ در اقدامات سیاسی، نظامی، رسانه‌ای و امنیتی آمریکا در مقابل ایران نشان‌دهنده حتی احتمال رسیدن به توافق و انجام شدن مذاکراتی برای رسیدن به توافق نیست. در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که منظور ترامپ از رسیدن به توافق چیست و راهکار او برای کشاندن ایران پای میز مذاکرات جدید هسته‌ای چیست؟ البته قبل از این باید به این سؤال نیز پاسخ داده شود که آیا توافقی که ترامپ به دنبال آن است، شباهتی به توافق

تیتراهای امروز

انتصاب جدید در وزارت خارجه آمریکا درباره استراتژی جدید ترامپ در قبال ایران چه می‌گوید؟

ضعیف و تکراری

- مسئول جدید گروه اقدام ایران در وزارت خارجه آمریکا کیست؟
- مهم‌ترین مأموریت الیوت آبرامز پیگیری تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران است



صفحات ۲۰
«وطن امروز» گزارشی می‌دهد: در جلسه نمایندگان مجلس با کارگران هفت تبه چه گذشت؟

مجلس پناه‌کارگران

صفحه ۲

تجزیه و تحلیل رفتار مخاطبان شبکه نمایش خانگی و سامانه‌های آنلاین بخش فیلم

این آمارهای عجیب

- نادیده گرفته شده‌های سینما و تلویزیون محبوب VODها
- مخاطب ایرانی در جست‌وجوی زائرهای متفاوت

تاریخ

بر خاسته از زیر تیغ

محمدعلی صدقی صلات
ظهر ۲۱ تیر ۱۳۷۰، چند ساعت قبل از اول محرم سال ۱۴۱۲، سومین فرزند «محمدرضا» بنای ۲۵ ساله نجف‌آبادی متولد شد. محمد رضا نام این نوزاد را «محسن» گذاشت. محسن ۱۲ سال و نیم پس از پیروزی انقلاب اسلامی به دنیا آمد. انقلابی که سرنوشت آسیای غربی را تغییر داد و میلیون‌ها جوان و نوجوان مسلمان و انقلابی را به دالان پرشور و حرارتی از تاریخ هدایت کرد. ۱۱ سال و ۸ ماه پس از اشغال لانه جاسوسی آمریکا، حادثه‌ای که در جهان متلاطم آن سال‌ها لقی نو در برابر کشورش گشود. ۱۰ سال و ۱۰ ماه پس از آغاز جنگ تحمیلی، جنگی که حدود ۸ سال به طول انجامید و تقریباً ۵ سال از عمر پدرش در میادین آن گذشت؛ جنگی که نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر از جوانان سرزمینش، طی آن به شهادت رسیدند و چیزی معادل ۱۰ برابر این تعداد، از زیر آتش آن، زنده خارج شدند؛ جوانانی با تعاریف متفاوت از جهان و ارزش‌هایی متفاوت از آن‌ها. سن و سالان خود طی چند قرن گذشته ۳ سال پس از پذیرش قطعه‌نامه، اتفاقی که زخمی عمیق بر غرور میلیون‌ها جوان هم سن و سال پدرش به جا گذاشت؛ جوانانی که «تصمیم داشتند پرچم لا اله الا الله را بر قتل رفیع کرامت و بزرگواری به اهتزاز درآورند». ۲ سال و یک ماه پس از وفات امام خمینی، پیشوایی که طی ۱۰ سال، مردمی را که ۲۰۰ سال طعم عزت و اقتدار و سرپنداری را فراموش کرده بودند، به جایی رساند که داعیه هملودی با تمام قلدران جهان را داشتند و اینک فقدانش، ضربه‌ای مرگبار بود بر آن غرور بالیده در جنگ و انقلاب و مقاومت؛ ضربه‌ای که دشمنان قسم خورده خمینی و حتی دوستان و پیروانش گمان نداشتند جانشین او بتواند از نتایج آن چیزی بکاهد. محسن را هنوز مادرش از شیر نگرفته بود که صدام به کویت حمله کرد، سپس آمریکا به هوای تنبیه این رفیق قدیمی، به خلیج فارس لشکر کشید و کتلر گوش ایران، کنگر خورد و لنگر انداخت؛ مسلمانان کرد و شیعه عراق بعد از توافق ابرقدرت‌ها برای باقی ماندن صدام بر قدرت، زیر چکمه‌های ارتش خشمگین و شکست‌خورده بعثی له شدند و انتفاضه شعبانیه، با صدها هزار شهید، سرکوب شد. «اتحاد جماهیر شوروی» ابرقدرت شرقی جهان که نیمی از عالم را تحت فرمان خود داشت، ناگهان ترک خورد و در برابر چشمان حیرت‌زده نوع بشر به سرعت فروپاشی و پخش شد. به این ترتیب، ایالات متحده تنها کدخدا و ابرقدرت «ربع مسکون» شد. خیزش تاریخی مردم فلسطین -انتفاضه اول- پس از ۵ سال حماسه‌آفرینی، به دنبال سازش رهبران بزرگ فلسطینی با اشغالگران صهیونیست، آرام گرفت و به اتمام رسید.